

"مجهول"، احراز هویت و نقش او در پیشرفت پزشکی و داروسازی

ابوالقاسم سلطانی*

گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

چکیده

از بین رفتن آثار علمی مدون ایران در اثر حملات بیگانگان موجب گردیده است که نه تنها گنجینه‌های علمی بلکه نام دانشمندان کشور ما که سهم عظیمی در پیشرفت علوم داشته‌اند برای ما ناآشنا باشد و بیگانگان نقش کشور ما را در پیشرفت علوم نادیده بگیرند. در مطالعه‌ی کتاب الحاوی به اسامی اشخاص و کتب زیادی برخورد می‌کنیم که در هیچ‌یک از کتب تاریخ پزشکی نامی از آن‌ها و تألیفاتشان دیده نمی‌شود. به منظور شناسایی این دانشمندان و آثارشان و سهمی که در پیشرفت علوم پزشکی و داروسازی داشته‌اند ۲۳ جلد کتاب الحاوی (۲۴ مجلد) دقیقاً بررسی شد از جمله‌ی این دانشمندان شخصی به نام مستعار "مجهول" می‌باشد که رازی در ۲۰۸ موضع یک‌سطری تا چند صفحه‌ای از وی نقل قول نموده است. از بررسی این پاراگراف‌ها مشخص شد که مجهول فردی ایرانی و احتمالاً در سده‌ی هفتم می‌زیسته است. رازی شدیداً تحت تأثیر علمی او قرار گرفته و در اغلب موارد نظریه وی را تأیید می‌نماید و با جملاتی نظیر معظم، مجرب و به او اعتمادکن مقام علمی او را ارج می‌نهد. وی اولین فردی است که در پزشکی از پنبه استفاده نموده است و وی Day Blind را "روزکور" نامیده، مواردی از کاتاراکت را که به جراحی نیاز دارد ذکر نموده است و وی اولین فردی است که متوجه اشتباهات جالینوس شده و با ایراد گرفتن به جالینوس عصر جدیدی را در امر تحقیقات باز نموده است.

واژگان کلیدی: مجهول، رازی، الحاوی

۱. مقدمه

کرده به اعراب دادند" و سپس تحقیقات دانشمندان قرون اولیه‌ی هجری میهن ما را به اعراب نسبت داده‌اند (۱). در پاسخ به چنین اظهاراتی، باید گفت قرن‌ها قبل از شکوفایی علوم در یونان، در آن هنگام که در یونان هر محلی برای خود خدای مخصوصی داشت، گاهی یک خدا سقوط می‌کرد و خدای تازه‌ای روی کار می‌آمد و زمانی که مجذوب خدای بیگانگان مانند ایزیس و ایزیریس مصری یا استارت فنیقی‌ها و یا پرستنده‌ی عقاب زئوس می‌شدند، زرتشت چنین

از بین رفتن آثار علمی مدون ایران در اثر تاخت و تاز و حملات بیگانگان موجب گردیده است که برخی محققان خارجی سهم ایران را در پیشرفت تمدن بشر نادیده گرفته و حتی چنین اظهار نمایند که "ایرانیان به پیشرفت علم پزشکی کمک زیادی نکرده‌اند. ایران از طرفی از علوم و فرهنگ یونان و از طرف دیگر از فرهنگ شرقی استفاده نموده و بعد که اختر تمدن یونان و روم افول کرد، ایرانیان علوم یونانی را نگهداری

می‌گوید: "ای خداوند خرد هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بخشیدی، زمانی که به تن خاکی روان دمیدی و به انسان نیروی کارکردن ... (۲) و گزنفون (نیمه‌ی اول قرن چهارم ه.ق) می‌نویسد: کوروش گوید تا موقعی که روح در کالبد ماست مایه‌ی زندگی تن است. پس از مرگ روح به عالی‌ترین مدارج ترقی خود می‌رسد و با رسیدن مرگ هریک از اجزای ترکیب به عنصر اصل خود بر می‌گردد (سیرت کوروش کبیر) و مقدس بودن عنصر یا زهک یا آخشیج (جمع=اخشیجان: آب AP، آتش ATAR، خاک ZAM، باد و هوا VĀTA)، گفتار هردوت معاصر بقراط که تأثیر آب و هوا را بر طبیعت انسان به نقل از کوروش بیان می‌نماید (۳) با چنین طرز تفکر و وجود مکاتب پزشکی مزدیسنا، سده‌ی اکباتان و قدمت تاریخی این مکاتب بر مکاتب پزشکی کوس و کروتون، دانشگاه جندی‌شاپور و پزشکان دوره‌ی ساسانی نظیر "باذان ایرانی"، "ماروتان"، "بوذیرانی" (۵۷۹ م.)، برزویه، جبرائیل سنجاری، مگر می‌توان قبول کرد که تألیفاتی نداشته‌اند. ابن ندیم ذیل عنوان "مترجمان فارسی به عربی" اسامی ۱۴ نفر و نیز خانواده‌ی نوبخت را ذکر می‌نماید که برخی یک و برخی چندین کتاب را از فارسی (پهلوی) به عربی ترجمه کرده‌اند." (۴).

وجود واژه‌های پارسی مانند، جوارش (معرب گوارش) خسروی، جوارش اسقف، جوارش شه‌ریاران، جوارش کسروی، قرص اندروماخون (در ترکیب پادزهر مترودیپوس (مهرداد ششم زمان اشکانیان))، معجون برمکی. این‌انگیزه را به‌وجود آورد که با مطالعه‌ی کتاب الحاوی شاید بتوان تا اندازه‌ای به چگونگی وضع پزشکی در ایران باستان پی‌برد. با مطالعه‌ی دقیق و بررسی چندین ساله‌ی ۲۳ جلد کتاب الحاوی (۲۴ مجلد)، تعداد زیادی اسامی اشخاص و کتب استخراج شد که در هیچ‌یک از کتب تاریخ‌پزشکی نظیر الفهرست، طبقات‌الاطباء و الحکماء، عیون‌الابناء و ... نامی از آن‌ها برده نشده و یا با کلماتی مانند منحول، مجعول و دروغین از کنار این اسامی گذشته‌اند. اما درباره‌ی فرد یا اثری که رازی در الحاوی به نام "مجهول" آورده، ابدأ در کتب تاریخی نامی برده

نشده است (۴-۳).

رازی از وی در الحاوی در ۲۰۸ موضع نقل قول‌های یک‌سطری تا چند صفحه‌ای می‌نماید. نظریه‌ی رازی با ذکر "لی" در پایان برخی پارگراف‌ها مبین آن است که رازی شدیداً تحت تأثیر افکار علمی وی قرار گرفته است (۵).

عناوین نقل قول‌های رازی از "مجهول"

- ۱- من کناش مجهول: ۲۱۸/۱۰ (جلد ۱۰ صفحه‌ی ۲۱۸)، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۷ (در جلد ۱۰ صفحه‌ی ۲۶۱ رازی نظریه‌ی خود را چنین بیان می‌نماید "به این اعتماد کن")
 - ۲- من کتاب مجهول: ۷۳/۹، ۱۲۳، ۸۲/۱۰، ۳۳۷، ۴۲۴/۲۰
 - ۳- من کتاب مجهول معظم مجرب: ۲۳ قسمت دوم ۱۱۸/
 - ۴- من کتاب مجهول دواء للزحیر عمل الجندی عجیب ۲۶۸
 - ۵- قال صاحب کتاب مجهول ۱۸۲/۸
 - ۶- مجهول من منافع الاعضاء قال: ۱۸۸/۱۰ (منافع الاعضاء تألیف جالینوس است)
 - ۷- من تذکره عبدوس، مجهول یدهب به آثار الجدری (آبله) عجیب: ۲۸/۱۷
 - ۸- ابن ماسویه، مجهول للشقیقه: ۴۶۴/۱
 - ۹- و از فی مجهول، قال: ۱۵۶/۱۶
 - ۱۰- مجهول، فایق: ۲۴۹/۱۰
 - ۱۱- مجهول (بقیه‌ی نقل قول‌ها) شماره‌ی جلد و صفحات نقل قول‌ها از مجهول
- جلد ۱: ۶۶، ۹۹، ۱۶۹، ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۵۱-۲۵۰، ۲۵۵، ۳۱۴، ۳۳۰، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۵۳-۴۵۰، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۹۲-۴۹۱.
- جلد ۲: صفحات، ۲۱، ۶۴، ۸۶، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۳۱-۱۳۰، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۵.
- جلد ۳: صفحات ۹۰-۸۹، ۱۰۶، ۱۴۳، ۱۵۴، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۴.
- جلد ۴: صفحات ۲۱، ۲۵-۲۴، ۴۲-۴۱، ۶۸، ۱۲۰.
- جلد ۵: صفحات ۹۴، ۱۲۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۸۳، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۵، ۲۳۹.
- جلد ۶: صفحات ۳۱، ۱۴۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۲، ۲۰۰.
- جلد ۷: صفحات ۲، ۴، ۱۳، ۱۷، ۲۶-۲۵، ۴۵، ۵۷، ۹۹-۹۷.

۲- وجود واژه‌های پهلوی، فارسی در پاراگراف‌های مربوط به مجهول مانند اسفیوس (برزقپونا) ۴/۱، اسفیناج (اسفاناخ) ۸/۱۸۱، کاربا (کهربا) ۷/۲۵، بهمن، بهمنان (دو بهمن سرخ و سفید) ۱۰/۲۶۱، ۳۲۰، بار زد (قنه) ۲۳ دؤم ۴۰، ترنجبین ۱۰/۲۸۷، نانخه (کمون ملوکی) ۱۰/۲۹۸، هزارچشان (فاشرا) ۷/۳۰۸، آزاد درخت ۱۹/۳۷۶، ۲۳ دؤم ۱۷۹، می بختیج (عقیدالعنب، آب‌انگوری که بر اثر تبخیر یک سوّم آن باقی‌مانده باشد) ۸/۱۶۲: ۱۴۱/۷، سرمه (کحل) ۲/۱۲۰، آبن ۱/۲۵۵ و...
توضیح: اسامی داخل پرانتز نام مشهور در طب‌سستی می‌باشد که به نقل از پزشکان دیگر در الحاوی آمده است و واژه‌های بهمن، آزاد درخت، آبن (از ابداعات ایرانیان عهد باستان) از فارسی در زبان عربی وارد شده است.
 باتوجه به مراتب فوق اصطلاحات و مفاهیم به‌کار رفته و ذکر نام شهر و محل مانند روزکور (جهر DAYBLIND) ۲/۹۱-۹۰/روشنایی ۲/۹۱، انجدان کرمانی ۱۶/۱۵۶، کمون، صعتر کرمانی (نام امروزی زیره کرمانی) ۳/۹۰-۸۹، صعتر فارسی (نام امروزی در عطاری‌ها: آویشن شیرازی) ۱۶/۱۵۷، کاشکنج ۷/۴۵ (ترکیب دارویی ساخت حکمای فارس برای محافظت جنین) (۶) مشخص می‌شود که "مجهول" ذکر شده در الحاوی ایرانی بوده است.

تعیین زمان زیست مجهول

از عناوین نقل‌قول‌های رازی در الحاوی که در فوق ذکر شد مشخص می‌شود که:

۱- مجهول پس از جالینوس (مؤلف منافع الاعضاء) و قبل از عبدوس می‌زیسته است.

۲- هویت فایق و وازفی مشخص نیست و در سایر کتب نامی از آن‌ها برده نشده است و فایق که رازی در ۶/۲۱۴، ۷/۳۳، ۸، ۲۰۲، ۱۰/۲۰۶، ۳۱۵ و ۱۱/۱۷ از وی نقل‌قول نموده است غیراز فایق، ابوالفتح عثمان‌بن حنین (نحوی) متوفی ۳۹۲ هجری قمری است که بعداز رازی می‌زیسته است. با توجه به این‌که در صفحه ۱۷ جلد ۱۱ حاوی آمده است "من کتاب الفائق، المخرج من کتاب اهرن" معلوم می‌شود فایق قبل از اهرن (اواخر قرن ششم میلادی) می‌زیسته است.

۱۴۱، ۱۷۴، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۸۴، ۳۰۸، ۳۲۱.

جلد ۸: صفحات ۱۷، ۲۶، ۵۸، ۱۰۰، ۱۲۷، ۱۴۴، ۱۴۷،

۱۶۲، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۱۸، ۲۱۹

جلد ۹: صفحات ۳۲، ۴۹، ۶۰، ۷۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۵۸، ۱۲۳،

۱۷۲، ۱۷۸، ۱۹۲-۱۹۱

جلد ۱۰: صفحات ۸۲، ۱۰۳، ۱۳۶، ۱۳۷، (۲ موضع)، ۱۶۴،

۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۴۹،

۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۶،

۳۱۲-۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۳۶، ۳۳۷

جلد ۱۱: صفحات ۵، ۲۱، ۳۸، ۶۷، ۶۹، ۷۹، ۹۰، ۱۴۸،

۱۴۹، ۱۸۱، ۲۰۵-۲۰۳، ۲۰۶، ۲۶۶

جلد ۱۲: صفحه ۲۳

جلد ۱۴: صفحه ۲۵۰

جلد ۱۵: صفحه ۲۷

جلد ۱۶: صفحات ۱۵۷-۱۵۶

جلد ۱۷: صفحات ۲۸، ۶۸، ۷۴

جلد ۱۸: صفحه ۱۰۰

جلد ۱۹: صفحات ۵۲، ۵۶، ۲۵۵، ۱۹۲، ۳۲۹، ۲۷۱، ۳۷۶

جلد ۲۰: صفحات ۲۱۱، ۲۱۸، ۳۲۶، ۴۲۴، ۵۵۲

جلد ۲۱: صفحات ۲۴۸، ۳۰۵، ۲۹۲

جلد ۲۳ قسمت اول: صفحات ۷۳، ۱۱۸، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵

جلد ۲۳ قسمت دوم: صفحات ۸، ۴۰، ۴۵، ۶۷، ۶۲، ۷۱،

۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۷-۸۶، ۹۶، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۶۵،

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸-۲۱۰، ۲۱۴

تعیین ملیت مجهول:

۱- مجهول از موادی نام می‌برد که یونانی‌ها و رومی‌ها نمی‌شناخته‌اند و در کتاب دیاستوریدس ذکری از آن‌ها به‌میان نیامده است مانند کافور ۱/۴۵۰ (ج ۱ ص ۴۵۰)، ۶/۱۸۲، طبرزد ۳/۱۸۹، ۱۰/۳۲۰، طین خوزی ۲۳ قسمت دوم / ۲۰۵، سبستان ۸/۱۸۱، کشوث ۷/۲۱۸، ۸/۱۶۲، حب القطن ۱۰/۳۰۹، تمره‌ندی ۲۳ دؤم ۱۷۸، هلیله‌ی کابلی ۱۱/۷۸، ۲۳ دؤم ۱۱۶، قاقله ۲۱/۳۰۵، طباشیر ۱۵/۲۷، املج ۲۳ دؤم ۱۱۵، فانید ۸/۲۱۸.

۳- در جلد ۱ صفحه‌ی ۴۶۴ ابن‌ماسویه از مجهول نقل قول کرده است.

۴- معمولاً رازی نقل قول از مجهول را مقدم بر ماسرجویه و پزشکان بعد از وی ذکر می‌نماید، به‌عنوان مثال: مجهول، ماسرجویه، ابن‌مسه، خوزی... (جلد ۲۰ صفحه‌ی ۲۱۱) لذا احتمالاً مجهول در سده‌ی هفتم میلادی می‌زیسته و به‌طوری‌که در ۲۶/۸ آمده است "من کتاب مجهول دواء للزحیر عمل الجندی عجیب" با دانشگاه جندی‌شاپور در ارتباط بوده است.

شناخت و درمان بیماری‌ها از نظر نویسنده‌ی کتاب مجهول

به‌طورکلی رازی درمورد تمام بیماری‌ها از این‌کتاب مطالبی را در الحاوی آورده است که امکان آرایه‌ی آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد به‌عنوان مثال در جلد ۹ صفحات ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۵۸ برای حاملگی، جلوگیری از آن؛ مشخصات اسپرم قابل باروری، در جلد ۱۱ درباره‌ی انواع کرم‌ها و در جلد ۲۳ قسمت دوم درباره‌ی درمان بیماری‌های جلدی نظیر برص، آبله، سالک و ترکیبات آرایشی رازی از وی نقل قول نموده است. وی اولین فردی است که سالک یا CUTANEOUS LESHMANIASIS, FURUNCULUS ORIENTALIS را ذکر نموده و آن را "بلخیه" نامیده است (۲/۲۳ ص ۷۶). در این مورد باید گفت اخوینی در قرن سوم هجری نیز اولین فردی است که علت این بیماری را گزیدن پشه دانسته و این بیماری را "ریش‌بلخی" نامیده است.

وی بیماری‌های چشم را طبقه‌بندی کرده و درمان رمد رطب HUMID CONJUNCTIVITIS، رمد یابس XEROPHTHALMIA، سلاق ULCERATIVE BLEPHARITIS (۱۹۳/۲)، دوربینی، نزدیک‌بینی، اطلام العدسه یا ساده‌العین CATARACT و انواعی از آن‌ها که باید جراحی شود و ۴ نوع پطره PTERYGIUM ذکر نموده است (۲/۲۶۳) وی DAY BLIND را بانام فارسی "روزکور" (خفش و جهر در کتب سنتی) ۲/۲۶۳، شرح داده و به‌نظر می‌رسد که وی اولین فردی است که این بیماری را شناخته است.

در یک پاراگراف که نویسنده‌ی آن معلوم نیست "مجهول" یا

"رازی" است چنین آمده است: «انقباض و اتساع عنیه مربوط به عضلاتی است که آنرا منقبض و منبسط می‌نمایند. چنان‌چه این عضلات دچار اشکال شوند عمل انبساط و انقباض چشم مختل می‌شود و جالینوس به علت این‌که این عضلات را نمی‌شناخته است این بیماری را در اثر سده‌ی چشم دانسته است بنابراین در این بیماری باید عضله‌ای را که کار آن مختل شده است درمان نمود. همچنین جالینوس بیماری عشاء (شبکوری) را در اثر غلیظ شدن روح باصره دانسته است درحالی‌که ما علت آن‌را غلیظ شدن جلیدیه می‌نامیم که شی از نزدیک مشاهده نمی‌شود و همچنین از دور، غلیظ شدن جلیدیه باعث می‌شود که تصویر درست بر روی آن نیفتد.» (ج ۲ / ۱۷۴-۱۷۳)

داروشناسی: گذشته از گیاهان دارویی که تا آن زمان شناخته شده بود و نویسنده تجربیات خود را به آن‌ها افزوده است، چندین گیاه ایرانی را برای اولین بار نام می‌برد که از آن‌جمله بهمن، آزاد درخت، سپستان و ترنجبین می‌باشد.

کاربرد پنبه در پزشکی: وی اولین فردی است که پنبه را در پزشکی به‌کار برده است. وی همچنین طرز جدا کردن روغن را از پنبه‌دانه ذکر کرده است، ۲/۹۱-۱۰، ۳۱۲/۹۰، ترکیبات دارویی که مجهول نام‌برده است عبارتند از: قطره‌های چشمی، شربت‌ها، عصاره‌ها، گوارش‌ها، قرص‌ها، حب‌ها و خضاب‌ها (مواد آرایشی) - در ترکیبات شربت‌ها شکر وارد شده است درحالی‌که ترکیبات دارویی ساخته شده در یونان و روم قدیم فاقد شکر بوده است و اصولاً تهیه‌ی فرآورده‌های شکردار از دانشگاه جندی‌شاپور شروع شده است.

منابع

۱. گارلند، جوزف: تاریخ پزشکی. ترجمه‌ی: مجتهدی، علی‌اکبر. انتشارات حقیقت تبریز با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۱.
۲. گات‌ها: سرودهای زرتشت، ترجمه و تفسیر: آذرگشسب، فیروز. سازمان انتشارات فروهر، گات‌یسنا ۳۱ بند ۱۱، ۱۳۵۱.
۳. سارتون، جرج: تاریخ علم. ترجمه‌ی: آرام، احمد. مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران. ص: ۳۹۴، ۱۳۳۶.
۴. الگود، سیریل: تاریخ پزشکی ایران. ترجمه‌ی: محسن جاویدان. انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۵۲.
۵. هروی، حکیم محمد صالح: تحفه‌الصالحین یا قراپادین صالحی. چاپ سنگی، تهران، ص: ۲۴۴، ۱۲۸۳.
۶. رازی، ابوبکر محمدبن زکریا: الحاوی فی الطب. انتشارات دایره‌المعارف عثمانیه، دکن، ۱۹۷۱.

بیست و سه جلد کتاب الحاوی

- جزء الاول: فی امراض الرأس، طبعه‌الثانیه، حیدرآباد دکن، هند، سند ۱۳۹۴ هـ / ۱۹۷۴ م.
- جزء‌الثانی: فی امراض العین دارالکتب العلمیه - بیروت - لبنان، ۲۰۰۰ م.
- جزء‌الثالث: فی امراض الاذن و الانف والاسنان - چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۵۷ م.
- جزء‌الرابع: فی امراض الرئه - دارالکتب العلمیه - بیروت - لبنان، ۲۰۰۰ م.
- جزء‌الخامس: فی امراض المرى و المعده و ما يتعلق بذالك - چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۶۷ م.
- جزء‌السادس: فی الاستفراغات و التسمین والهزال، چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۵۸ م.
- جزء‌السابع: فی امراض التدی و القلب و الکبد و الطحال - چاپ حیدرآباد دکن - هند ۱۹۵۸ م.
- جزء‌الثامن: فی امراض الامعاء، الطبعه‌الاولی، چاپ حیدرآباد دکن - هند ۱۹۵۹ م.
- جزء‌التاسع: فی امراض الرحم والحمل، چاپ حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۰ م.
- جزء‌العاشر: فی امراض الکلی و مجاری البول و غیرهما، چاپ حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۱ م.
- جزء‌الحادی عشر: فی الحیات و الیدان فی النبض و البواسیر و الحذب و النقرس و الدوالی و داء‌الفیل و غیرها، الطبعه‌الاولی - بمطبعه‌ی مجلس دایره‌المعارف العثمانیه - به‌حیدرآباد دکن - الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء‌الثانی عشر: فی امراض السرطان و الاورام و الدمامل و الدبيلات و ما یحلل جساء‌القروح و الرشید و غیرها، به‌مطبعه‌ی مجلس دایره‌المعارف العثمانیه - حیدرآباد دکن الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء‌الثالث عشر: فی امراض الرض و النفخ الذى ینشق منه‌ی حیدرآباد دکن الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء‌الرابع عشر: فی الحمیات و البراز و القی و غیرها، حیدرآباد دکن - هند ۱۹۶۳ م.
- جزء‌الخامس عشر: فی الحمی المطبقه و الامراض الحاده الطبعه‌الاولی، حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۳ م.
- جزء‌السادس عشر: فی حمیات الدق و الذبول و النافض و الحمیات‌التی لا تسخن، هند ۱۹۶۳ م.
- جزء‌السابع عشر: فی الجدری و الحصبه و الطواعین، حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۴ م.
- جزء‌الثامن عشر: فی البحران و ما يتعلق به حیدرآباد دکن - هند ۱۹۶۴ م.
- جزء‌التاسع عشر: فی الیول و ما يتعلق به و النهش و السموم - حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۶ م.
- جزء‌العشرون: فی الادویه‌المفرده، الطبعه‌الاولی، باب حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۷ م.

جزء الحادی و العشرون (القسم الاول)، فی الادویه المفرده، المطبعه الاولى، چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۶۸ م.
جزء الثانی والعشرون: فی الصيد له و فی جداول استنباط الاسماء و الاوزان و المکاکیل، المطبعه الاولى، مطبعه مجلس دایره المعارف
العثمانیه حیدرآباد دکن الهند ۱۹۷۱ م.
جزء الثالث والعشرون (القسم الثانی)، فیما یرض للجلد من البهق والبرص والجذام و غیرهاوفی خضاب الشعر والید، الطبعه الاولى، به
مطبعه مجلس دایره المعارف العثمانیه - حیدرآباد دکن الهند ۱۳۹۰هـ / ۱۹۷۰ م.